

عنوان مقاله:

نقش نظریه فضاهای ذهنی در برطرف کردن نابهنجاری معنایی و ابهام زدایی ارجاعی

محل انتشار:

فصلنامه پازند، دوره 7، شماره 22 (سال: 1389)

تعداد صفحات اصل مقاله: 13

نویسندگان:

ارسلان گلفام - عضو هیئت علمی گروه زبان شناسی دانشگاه تربیت مدرس

سپیده عبدالکریمی - دانشجوی دکتری زبان شناسی دانشگاه تربیت مدرس

خلاصه مقاله:

رویکرد شناختی، رویکردی نسبتاً نوین و معنی‌بنیاد در زبان‌شناسی است که امکان توجیه و تبیین قابل پذیرش بودن یا غیرقابل پذیرش بودن ساخت‌های زبانی را با تکیه بر مبانی‌ای که در رویکرد زایشی وجود ندارند، فراهم می‌سازد. نظریه فضاهای ذهنی از نظریه‌های ارائه شده در زبان‌شناسی شناختی است که بدون در نظر گرفتن آن، توجیه رفع نابهنجاری معنایی از جملاتی که به لحاظ معنایی ناهنجار هستند و نیز، زدودن ابهام ارجاعی از گروه‌های اسمی مبهم، با دشواری رو به رو است. پژوهش حاضر کوششی است برای تبیین مفهوم فضای ذهنی، بررسی رابطه میان فضاهای ذهنی و مجاز و نقش نظریه مذکور در برطرف کردن نابهنجاری معنایی و ابهام‌زدایی ارجاعی. همچنین، در این پژوهش عناصر زبانی فضا‌ساز معرفی و عملکرد آنها بررسی خواهد شد. نگارندگان در مقام فارسی‌زبانان مسلط بر زبان‌های انگلیسی و آلمانی و آشنا با زبان فرانسه، به منظور ارائه داده‌ها به طور عمده از شم زبانی خود بهره برده‌اند و داده‌های آلمانی و فرانسه را نیز به محک دیگر افراد مسلط بر زبان‌های مذکور سپرده‌اند. یافته‌های این پژوهش نشان دادند وجوه متفاوت فعل، محمول‌های متغیر و عبارات اشاره‌ای نمونه‌هایی از عناصر زبانی فضا‌ساز هستند که وجود آنها، بازنمود فضاهای ذهنی در زبان تلقی می‌شود و از آنجا که عناصر زبانی فضا‌ساز در زبان‌های مذکور کارکردی مشترک دارند، این بازنمود در زبان‌های طبیعی به شیوه‌های گوناگون، از یک سو بازتاب عملکرد مشترک ذهن بشر در رمزگذاری‌های زبانی است و از سوی دیگر، گواهی است بر بازتاب توانایی‌های شناختی غیرزبانی انسان در زبان وی که این امر به نوبه خود، وجود جهانی‌های شناختی را در زبان‌های طبیعی حتمی می‌نمایاند.

کلمات کلیدی:

نظریه فضاهای ذهنی، محمول‌های متغیر، ارزش متغیر، تقطیع ذهنی و جهانی‌های شناختی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/2028895>

